تلویزیون

تغییر در مدیریت شبکه آموزش سیما

مسعود احمدی‌افزادی با حکم معاون سیمای رسانه ملی به مدیریت شبکه آموزش سیما رسید. به گزارش «وطن‌امروز»، مرتضی میرباقری، معاون سیما با صدور حکمی مسعود احمدی‌افزادی را به سمت مدیریت شبکه آموزش منصوب کرد. بر اساس این گزارش، پیش از احمدی‌افزادی، حسین ساری این مسؤولیت را بر عهده داشت. مسعود احمدی‌افزادی سوابق متعددی در سطوح مختلف مدیریتی رسانه را در کارنامه کاری خود دارد. مدیریت شبکه ۵ تهران، مدیریت شبکه شما، مدیریت شبکه جوان و مدیرکلی مراکز البرز، گلستان و اصفهان از جمله سوابق وی در رسانه ملی محسوب می‌شود. احمدی‌افزادی همچنین با سابقه سال‌ها تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، دارای مدرک دکترای ادیان و عرفان تطبیقی بوده و بخشی از تحقیقات دوره دکترای خود را در دانشگاه هایدلبرگ آلمان گذرانده و عضو انجمن محققان علوم آلمان و عضو بنیاد حکمت اسلامی صدرا نیز بوده است. وی همچنین دارای آثار و مقالات علمی قابل توجه و منتشرشده‌ای در زمینه‌های دین‌شناسی تطبیقی و عرفان و حوزه‌های رسانه‌ای است.

کتاب

انتشارات اسم منتشر کرد

«مهاجران» روایتی از بحران اقتصادی آمریکا در قرن ۱۹

نشر اسم رمانی دیگر از هاوارد فاست را با عنوان «مهاجران» و با ترجمه فریدون مجلسی روانه بازار کتاب کرد. به گزارش «وطن‌امروز»، در ابتدای کتاب در معرفی «فاست» آمده: هاوارد فاست بی‌گمان یکی از بهترین، پیش‌روترین و پربارترین نویسندگان معاصر آمریکا و جهان بود. فاست مردی خودساخته و انسانی وارسته و مبارز و شیفته آزادی و حق و عدالت بود. او از میان توده مردم برخاست و با دردها، نیازها و آرمان‌های‌شان آشنا بود. سرشت و سیرتی انسانی داشت که بازتاب آن در همه آثارش دیده می‌شود. فاست در سال ۱۹۱۴ در نیویورک به دنیا آمد و در نوجوانی به نویسندگی پرداخت، بیشتر داستان‌هایش در زمینه تاریخی و بویژه درباره تاریخ آمریکا و انقلاب آن کشور است و در نگارش زندگینامه‌های داستانی بر مبنای واقعیت تاریخی بسیار زبردست بود. اما «مهاجران» رمانی است نوشته فاست که به مشکلات و زیروبم‌های زندگی دان لاوت، فرزند یک خانواده فقیر ایتالیایی که والدینش در آخرین دهه قرن نوزدهم به آمریکا مهاجرت کردند، می‌پردازد. در این داستان تصویری روشن از ۲ واقعه بزرگ تاریخی، یعنی زلزله و آتش‌سوزی مهیب ۱۹۰۶ سان‌فرانسیسکو و بحران بزرگ اقتصادی ۳۰-۱۹۲۹ آمریکا که در جهان آن روزگار تاثیری ژرف گذاشت ارائه شده است، این کتاب در شمار پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان قرار دارد و از پرطرفدارترین آثار فاست به شمار می‌رود.

■■■

جدیدترین اثر محمد حنیف منتشر شد

جدیدترین اثر محمد حنیف با نگاهی به رئالیسم جادویی و زمینه‌های آن در ایران منتشر شد. به گزارش تسنیم، «بومی‌سازی رئالیسم جادویی در ایران» به کوشش محمد حنیف از سوی انتشارات علمی و فرهنگی روانه بازار نشر شد. نویسندگان در این اثر تلاش دارند با بررسی برخی آثار پژوهشگران و پایان‌نامه‌های فارسی و لاتین، ابعاد مختلف رئالیسم جادویی را به مخاطب خود معرفی کنند. از دیگر ویژگی‌های این اثر این است که با بررسی عناصر رئالیسم جادویی در آیین‌ها، قصه‌های عامه و قصه‌های کهن فارسی، این موضوع را در ادبیات بومی فارسی نیز نشان می‌دهد. شناخت رئالیسم جادویی، مفاهیم و نظریه‌ها، فنون ادبی رئالیسم جادویی، نویسندگان برجسته متأثر از رئالیسم جادویی، رئالیسم جادویی و بومی‌سازی در ایران، رئالیسم جادویی و داستان‌نویسی ایران، داستان‌نویسان برجسته رئالیسم جادویی در ایران، بومی‌سازی و رویکرد به باورها، آیین‌ها و ادبیات عامه ایران، بومی‌سازی و عناصر جادویی و قصه‌های ایرانی، بومی‌سازی و عناصر جادویی در ادبیات عارفانه، بومی‌سازی و عناصر جادویی و ادبیات حماسی فارسی، بومی‌سازی و عناصر جادویی و باورهای اسطوره‌ای قصه‌های ایرانی، بومی‌سازی و منظومه‌های عاشقانه و عناصر جادویی و آسیب‌شناسی رمان رئالیسم جادویی از فصول این کتاب است. انتشارات علمی و فرهنگی «بومی‌سازی رئالیسم جادویی در ایران» را در شمارگان هزار نسخه روانه بازار نشر کرده است.

صادق صندوقی، تصویرگر پیشکسوت کتاب‌های درسی درگذشت

وداع با تصویرگر قصه‌های کودکی

گروه فرهنگ و هنر: صادق صندوقی از آن دسته هنرمندان مهجور دوران ما است که بسیاری از کودکان نسل دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در عین آشنایی با آثارش، نام او را نمی‌شناسند. خالق بسیاری از تصاویر ماندگار کتاب‌های درسی و کتاب‌های داستانی مذهبی که کمتر کسی بعد از او توانست هنر بی‌بدیل او را در جان‌بخشی به قصه‌های زیبای قرآنی و همچنین قصه‌های سرشناس ادبیات جهان از جمله قصه‌های ژول ورن تکرار کند؛ هنرمند بی‌رقیبی که بدون توسل به ابزارهای مدرن و تکنولوژی‌های کامپیوتری، با تصویرگری‌هایش روی جلد کتاب‌ها، بسیاری از کودکان و نوجوانان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را جذب کتاب خواندن کرد و در نهایت نیز در آخرین روز مردادماه امسال آسمانی شد.

■ **کتابی که به سفارش امام(ره) طراحی شد**

صادق صندوقی ۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ در همدان به دنیا آمد. پدرش از آموختن نقاشی توسط صادق استقبال می‌کرد و شرایط خرید کاغذ و قلم را برای این کار او مهیا کرد و به همین ترتیب صادق صندوقی در محله سرپل یخچال، بزرگ شد.

«همدان‌مصور» عنوان نشریه‌ای خودساخته با کمک برادرش زنده‌یاد «حسن صندوقی» بود که اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ خورشیدی در ۱۰ شماره بالطبع در تعدادی محدود به شکل دستی نوشته، تصویرگری و پخش شد. نشریه «همدان‌مصور» که هنوز نسخه‌هایی از آن موجود است مشاهیر همدان و اتفاق‌های فرهنگی را در همان سال‌ها بیان می‌کند. زنده‌یاد صادق صندوقی پس از ادامه تحصیل در همدان به هر مشقتی که بود خود را به هنرستان هنرهای تجسمی رساند و کار نقاشی را ادامه داد و حدود نیم‌قرن تلاش مستمر در زمینه نقاشی و تصویرگری را در کارنامه حرفه‌ای خود ثبت کرد. صندوقی در گفت‌وگویی با باشگاه خبرنگاران جوان درباره فعالیت‌هایش در سال‌های قبل و بعد از انقلاب گفته بود: «قبل از پیروزی انقلاب اسلامی کتاب قصه‌های قرآنی را به سفارش امام خمینی(ره) طراحی کردم و زمانی که از کارم استقبال شد به عنوان یک تصویرگر کتاب شناخته شدم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کارم وارد مرحله جدیدی شد و تقریباً تمام شخصیت‌های اسلامی و چهره‌های مذهبی را نقاشی کردم».

■ **از اصحاب فیل تا امیرکبیر و قصه‌های ژول‌ورن!**

هر چند تقریبا تمام آثار تصویر شده توسط صندوقی در زمره آثار شاخص در حوزه طراحی‌های استفاده شده در کتاب‌های درسی یا طراحی جلد بوده است اما در این میان شاید ماندگارترین اثر او را باید تصویر مربوط به نقاشی از قصه قرآنی «اصحاب فیل» دانست. صندوقی چند سال پیش در گفت‌وگویی با اشاره به سختی‌های به تصویر کشیدن این قصه قرآنی گفت: «برای تصویرگری داستان اصحاب فیل خدا می‌داند چقدر مشقت کشیدم. اصلا نمی‌دانستم ابابیل چه شکلی هستند. همه شنیده‌ایم که موجوداتی شبیه پرستو بودند اما شکل دقیقی از آنها را در ذهن نداشتم. هر چقدر با مولفان مشورت می‌کردم، آنها هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. از طرفی جدا از شکل ابابیل، تصویر کردن آن جسمی که آنان به سمت زمین پرتاب می‌کردند هم کار سختی بود. آن جسم باید چه شکلی می‌بود؟ با همه این مشکلات اما خوشبختانه تصویر جواب داد و در حافظه‌ها باقی ماند». البته صندوقی تصاویر ماندگار دیگری نیز به تصویر کشیده است که بخش عمده‌ای از آنها مربوط به تصاویر مشاهیر تاریخی و ادبی کشورمان است که در این میان چهره‌هایی چون امیرکبیر، شیخ فضل‌الله نوری و بوعلی سینا بیشتر از سایر طرح‌های او در ذهن مخاطبان باقی مانده است. حتی کارت‌های «هزارآفرین» و «صدآفرین» که خیلی‌ها از دوران مدرسه به یادگار دارند، اثر زنده‌یاد صادق صندوقی است. همچنین اغلب طرح‌های روی جلد کتاب‌های ترجمه شده ژول ورن، نویسنده سرشناس فرانسوی که به‌واسطه داستان‌های علمی- تخیلی‌اش در میان مخاطبان شناخته می‌شود نیز حاصل نقاشی‌های هنرمندانه این هنرمند کشورمان است.

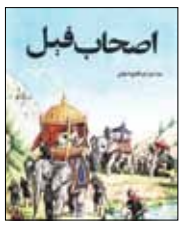

■ **هنرمندی که کم‌فروشی نمی‌کرد**

بسیاری از آثار صادق صندوقی با وجود سادگی‌شان به تصویرهایی ماندگار تبدیل شدند. شاید یکی از دلایل آن را بتوان نگاه ساده او به موضوعات و قصه‌ها دانست؛ تصاویری که از رنگ و لعاب‌های امروزی برخوردار نبودند اما در سادگی تمام، قصه‌های ماندگاری را روایت می‌کردند. این موضوع به شکلی بود که بسیاری از نویسنده‌های معاصر می‌گویند نخستین عشق و علاقه به کتاب و کتابخوانی با دیدن نقاشی‌های صندوقی در آنها به وجود آمده است. شاید به همین خاطر هم بود که پس از درگذشت او طیف گسترده‌ای از نویسندگان و هنرمندان پیشکسوت و جوان نسبت به خبر درگذشت این استاد عرصه نقاشی واکنش نشان دادند. محمدرضا سرشار که خود از نویسندگان پیشکسوت ادبیات کودک و نوجوان است در کامنتی در فضای مجازی درباره صادق صندوقی نوشت: «آن مرحوم بی‌هیچ تردید از استادان مسلم تصویرگری و پدر تصویرگری داستان‌های مذهبی برای کودکان و نوجوانان کشور بود. او از معدود تصویرگرانی بود که- آنجا که اراده می‌کرد مایه بگذارد- تصاویرش اغلب قوی‌تر از داستان‌هایی بود که آنها را برای آن تصاویر کشیده بود. به عبارتی این داستان‌ها با وجود ضعف‌های مفرط داستانی‌شان، به‌واسطه تصاویر خوش‌آب و رنگ و قوی او جلب توجه می‌کردند و می‌فروختند و نیز از معدود تصویرگرانی بود که کم‌فروشی نمی‌کرد. از تصویرگری صحنه‌های شلوغ و پرزحمت نمی‌گریخت و خوب هم از پس آنها برمی‌آمد. کاش یکی می‌گفت در این سال‌های طولانی سکوت، چه می‌کرد و به چه کار مشغول بود؟!»

■ **او تصویر می‌ساخت و من از او تبعیت می‌کردم**

مصطفی رحماندوست، دیگر شاعر و نویسنده پیشکسوت ادبیات کودکان و نوجوانان نیز در جریان مراسم تشییع پیکر صادق صندوقی در ارتباط با جایگاه این هنرمند گفت: «جایگاه صندوقی از ۲ نظر قابل توجه است؛ یک نظر بخش هنری است. دوست هنرمندی می‌گفت هر کسی که خبر دارد و یاد صادق صندوقی می‌افتد، می‌گوید من با تصویرهایش بزرگ شدم. همه ما و مردم ایران به نحوی حس بصری و تصویرخوانی خودمان را مدیون این هنرمند هستیم. من افتخار همکاری با او را به مدت ۷-۶ سال در مجله رشد داشتم. او تصویر می‌ساخت و من بدون شک از او تبعیت می‌کردم. چند وقت پیش در مراسمی او را همچنان لبخند به لب دیدم و صبح که به این مراسم می‌آمدم خدا را شکر کردم که او بیش از یک هفته رنگ بیماری را نچشید زیرا همه ما می‌رویم. او هیچ وقت از زندگی سیر نشد و شاید یک هفته رنجی هم که کشید به دلیل آن بود که ما نسبت به او حسادت نکنیم».

■ **آثاری که با هنرمندان خارجی قابل رقابت بود**

همچنین بهرام عظیمی، انیمیشن‌ساز سرشناس کشورمان نیز در واکنش به درگذشت این هنرمند پیشکسوت در یادداشتی کوتاه نوشت: «به‌رغم اینکه تعدادی از کارتونیست‌ها و تصویرسازان و بچه‌های انیمیشنی ایرانی خودشون و شروع کارشون رو مدیون کتاب‌های «تن تن» و آثار هرژه میدونن، بسیاری از هم‌نسلان من که هم‌اکنون کارهای هنری در زمینه انیمیشن، کاریکاتور، تصویرسازی و کمیک استریپ انجام می‌دیم، خودمون رو مدیون این استاد بزرگ تصویرسازی می‌دونیم. مرحوم صندوقی یک نقاش و تصویرگر بسیار حرفه‌ای و جزو معدود هنرمندانی بودند که آثارشان با آثار هنرمندان خارجی قابل رقابت بود. تصاویری که خلق می‌کردند بسیار پرکار و پر از جزئیات با فضاسازی و نورپردازی و سایه‌روشن‌های سخت و پیچیده بود. آثار ایشون در تاریخ هنرهای تجسمی ایران به‌عنوان شاهکار برای همیشه ثبت شده است. خدا رحمتتون کنه استاد همه ما».

■ **خاطره نسل‌های متفاوت از تصویرسازی صندوقی**

علاوه بر اشخاص، برخی نهادها و گروه‌های فعال در حوزه هنرهای تجسمی هم نسبت به درگذشت این هنرمند واکنش نشان دادند. گروه هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح و ستاد برگزاری جشنواره هنر مقاومت در پیام تسلیتی در ارتباط با این اتفاق آورده است: ضایعه درگذشت استاد صادق صندوقی که هنر تصویرسازی وی در کتب درسی و کتاب‌های متعدد داستانی، در خاطره نسل‌های متفاوت ثبت و ضبط شده است، جامعه هنری ایران خصوصا هنرهای تجسمی را در سوگ و اندوه فرو برد. هنر والا و ارزشمند مرحوم استاد صندوقی، در عصری که از نرم‌افزارهای متعدد دیجیتالی به منظور تصویرسازی و خلق اثر، خبری نبود و تنها زاییده ذهن خلاق آن استاد فقید بود، بی‌شک در اذهان هنرمندان و هنردوستان مانا و جاویدان خواهد بود.

نقد فیلم

نگاهی به فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» ساخته بهرام توکلی

تنگه رویش‌ها

سیدمجتبی طباطبایی: «تنگه ابوقریب» بیش از اینکه روایتی از دفاع‌مقدس باشد، خود جنگ است. جنگی که حرف از دفاع می‌زند، از صلح می‌گوید و برنده آن را فروشندگان اسلحه می‌داند. از حضور گردان عمار در آخرین روزهای جنگ می‌گوید و حماسه‌ای که آنها می‌آفرینند. رزمندگانی که برای مرخصی آماده شده‌اند، دوباره عازم خط مقدم می‌شوند. شاید نتوان قصه منسجمی برای آن در نظر گرفت اما «تنگه ابوقریب» برای مخاطبش خط مقدم جنگ را صادقانه روایت می‌کند. از نگاهی می‌توان این نکته را نقطه قوت فیلم دانست. مخاطبی که جنگ را ندیده است همانند «علی» بین صدای انفجار و اسلحه کپ می‌کند و به صندلی‌اش می‌چسبد. «مهدی قربانی» نقش نوجوانی را بازی می‌کند که پدرش جانباز قطع نخاع همین جنگ است و ۳ سالی از مجروحیتش می‌گذرد. او که می‌خواهد خط مقدم جنگ را ببیند وارد معرکه می‌شود. در میان شخصیت‌های فیلم، برای عده‌ای که جنگ را ندیده‌اند شخصیت «علی» قابل توجه است. نوجوانی که جنگ، دوربینش را می‌گیرد و اسلحه دستش می‌دهد. شور و شوق دوران نوجوانی‌اش را دارد. می‌خواهد خط مقدم جبهه را ببیند اما برای ماسک شیمیایی زدن هم آماده نیست. در تبلیغات گردان عکاسی می‌کند. به تدارکات می‌آید و آنجا مشغول می‌شود اما می‌خواهد در مقدم‌ترین خط باشد و به کمتر از آن راضی نمی‌شود. وارد میدان می‌شود. جنگ به جایی می‌رسد که نگاه کردن از لنز دوربین برایش زجرآور است و «جواد عزتی» که نقش مجید- دانشجوی پزشکی- را بازی می‌کند هنگام حمل مجروح به او می‌گوید: در جنگ باید یاد بگیری از چیزهایی که خوشت نمی‌آید هم عکس بگیری! جنگ دوربین را از علی می‌گیرد. او به حمل مجروح مشغول می‌شود و صحنه‌های بسیاری را می‌بیند. روحیه پرسشگر نوجوانی همراه اوست؛ «چرا ما شیمیایی نمی‌زنیم؟ چرا برای آنها حلال است برای ما حرام؟ چرا وقتی جنگ است افرادی به عقب بازمی‌گردند؟» یا استدلال‌های خودش را دارد. جریان فیلم از این دست شخصیت‌پردازی‌ها بسیار دارد. «علی» جنگ را لمس می‌کند. متحیر می‌شود، می‌ترسد، رشد می‌کند و آن شور نوجوانی‌اش رنگ و بوی بزرگسالی می‌گیرد. اسلحه به دوش از معرکه بیرون می‌آید و حس افتخار را به تماشاگران هدیه می‌کند. نگاه غرورآفرینی که تماشاگر از مقاومت گردان عمار پیدا کرده با تصویر پایانی و خروج اسلحه به دوش «علی» از میدان نبرد تکمیل می‌شود. روایت واقعی جنگ است که تماشاگران را بعد از اتمام فیلم به فکر فرو می‌برد. تماشاگری که تا به حال چنین روایتی از خطوط مقدم جنگ را کمتر دیده است. کتاب انقلاب اسلامی ورق می‌خورد، رویش‌های بسیاری مثل «علی» قابل دیدن است. رویش‌هایی که انقلاب و دفاع‌مقدس را ندیده‌اند و دل‌شان از بعضی دیده‌ها، با انقلاب همراه‌تر است.

نام جشنواره فیلم فرانسوی یک بار دیگر با فساد گره خورد

«کن» شکارگاه هیولای فساد هالیوود!

سینمای جهان

ماجرای فساد اخلاقی هالیوود که سال گذشته با طرح نام هاروی واینستین، تهیه‌کننده سرشناس هالیوودی برای نخستین بار به شکلی جدی در رسانه‌های جهان بازتاب پیدا کرد، با ورود نام‌هایی تازه تبدیل به یک دومینوی رسوایی برای هالیوود شد. به گزارش «وطن امروز»، اما نکته جالب توجه در این میان نقش جشنواره‌های فیلم مطرح دنیا از جمله «کن» به عنوان شکارگاهی برای صید طعمه‌ها برای چهره‌های فاسد هالیوود است. چند وقت پیش بود که آزیا آرجنتو، بازیگر ایتالیایی سینما و یکی از قربانیان فساد اخلاقی واینستین در اختتامیه هفتادویکمین جشنواره فیلم کن مدعی شد جشنواره فیلم کن شکارگاه واینستین بود و حالا این ادعا توسط لومان، بازیگر زن آلمانی نیز تکرار شده است تا این بحث شکل جدی‌تری به خود بگیرد. او تعریف می‌کند در سال ۲۰۰۶ قصد داشته از حرفه مدلینگ به بازیگری روی بیاورد و واینستین با وعده نقش دادن به او در فیلم‌هایش، لومان را به عنوان میهمانش به جشنواره کن دعوت کرد. بنا به اظهارات لومان، زمانی که در کن ملاقات کردند واینستین رفتاری جذاب و دوستانه در چند برخورد اول نشان داد، همزمان به او مشاوره داد و اعتمادش را به خود جلب کرد. تهیه‌کننده سرشناس «واینستین کمپانی» به او وعده داده بود چند نقش در فیلم‌های جدیدش مناسب او است اما از آنجایی که فیلمنامه‌ها محرمانه‌اند باید در دفتر کارش ملاقاتی انجام شود. بنا به شکایت لومان، این دیدار در سوئیت واینستین در هتل کن اتفاق افتاده و او بلافاصله با کنار گذاشتن رفتار حرفه‌ای‌اش خودش را به زور به لومان تحمیل کرده است. لومان مدعی است بعد از این حادثه، در ملاقاتی دیگر واینستین او را گوشه‌ای گیر انداخته و به محافظان امنیتی‌اش گفته اجازه ندهند او برود مگر آنکه قول بدهد درباره این قضیه دهانش را بسته نگه دارد! لومان از واینستین به اتهام تخطی از قوانین قاچاق انسان، حمله جنسی، ضرب و جرح و آزار و اذیت شکایت کرده است.

مدیرعامل مجمع نوشت افزار ایرانی - اسلامی خبر داد

شخصیت‌های «فیلشاه» در صدر فروش «ایران‌نوشت»

نوشت افزار

مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی - اسلامی با اشاره به استقبال مردم از شخصیت‌های ایرانی لوازم‌تحریر ایرانی- اسلامی گفت: تاکنون شخصیت کاراکترهای «فیلشاه» در صدر فروش نمایشگاه نوشت‌افزار است. به گزارش «وطن‌امروز»، ششمین نمایشگاه ایران‌نوشت در حالی کار خود را آغاز کرد که استفاده از کاراکترهایی جدید در طراحی محصولات ارائه‌شده در نمایشگاه امسال با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد. سعید حسینی، مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی - اسلامی در همین زمینه به فارس گفت: تاکنون بازخورد خوب بوده و به نظر می‌آید تعداد مخاطبان نسبت به سال گذشته بیشتر شده است. در حال حاضر کمتر از ۳۰ درصد تولیدات ایرانی، بازار لوازم‌تحریر کشور را تشکیل می‌دهد و تلاش می‌شود این میزان افزایش یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر کاراکتر تولیدات لوازم‌تحریر داخلی کشور، خارجی است و کمتر از ۱۰ درصد کاراکترهای تولیدات داخلی لوازم‌تحریر، داخلی است البته این رقم طی چند سال پیش عدد صفر بوده است. وی با بیان اینکه اقدامات ما از سال ۹۱ برای فروش نوشت‌افزار ایرانی - اسلامی و فرهنگ‌سازی کاراکترهای داخلی آغاز شد، گفت: در آن زمان، با شکست طرح دارا و سارا، ذهنیت نسبت به کاراکتر داخلی منفی بود اما الان فضا تغییر کرده است. مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی - اسلامی با بیان اینکه مالکیت معنوی کاراکتر فیلشاه را گرفتیم و در اختیار تولیدکنندگان لوازم‌تحریر قرار دادیم، افزود: در حال حاضر کاراکترهای فیلشاه، حسنا کوچولو، شاهزاده روم، اتل متل یه جنگل، مل‌مل و دیرین دیرین از جمله کاراکترهای لوازم‌تحریر این نمایشگاه است. برآوردها تاکنون نشان می‌دهد در حال حاضر کاراکتر فیلشاه مورد استقبال تعداد زیادی از مخاطبان قرار گرفته و در صدر فروش است. نمایشگاه لوازم‌تحریر ایرانی - اسلامی هر روز از ساعت ۱۱ تا ۲۳ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در خیابان حجاب آماده استقبال از مخاطبان است.

گیشه

«هزارپا» ۳۰ میلیاردی شد

فیلم‌های سینمایی «هزارپا»، «دارکوب» و «تنگه ابوقریب» در هفته‌ای که گذشت توانستند فروش خوبی را از آن خود کنند. به گزارش فارس، گیشه سینمای ایران در هفته‌ای که گذشت، رونق نسبتاً خوبی داشت، رونقی که مدیون فیلم‌هایی همچون «هزارپا»، «دارکوب» و «تنگه ابوقریب» بود و این فیلم‌ها توانستند فروش خوبی را از آن خود کنند. فیلم سینمایی «هزارپا» تازه‌ترین ساخته ابوالحسن داوودی با پشت سر گذاشتن تمام فیلم‌های پرفروش سینمای ایران، در تازه‌ترین آمار فروش از مرز ۳۰ میلیارد تومان فروش عبور کرد. براساس آمارهای منتشرشده از سوی دفاتر پخش آثار سینمایی تاکنون، فیلم سینمایی «هزارپا» در مجموع ۳۰ میلیارد تومان، «دارکوب» ۲ میلیارد تومان، «تنگه ابوقریب» یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان، «دم سرخ‌ها» یک میلیارد و ۶۳۰ میلیون تومان، «کاتیوشا» یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، «شعله‌ور» ۲۴۰ میلیون تومان، «راه رفتن روی سیم» ۷۰ میلیون تومان، «همه چی عادیه» ۷۰ میلیون تومان و «پشت دیوار سکوت» ۵۰ میلیون تومان فروش کرده‌اند.

خبر

رونمایی از «نقاب‌ها» در پاتوق کتاب فردا

آغاز جشنواره قرعه‌کشی بزرگ پاتوق کتاب با بیش از یک میلیارد ریال جوایز نفیس همزمان با رونمایی کتاب «نقاب‌ها» اثر جدید و پرحاشیه محمدعلی الفت‌پور برگزار می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، جشن امضای کتاب «نقاب‌ها» (جریان‌شناسی نفوذ در انقلاب اسلامی) با حضور نویسنده کتاب ۷ شهریور امسال در فروشگاه «پاتوق کتاب فردا» واقع در خیابان انقلاب ضلع شمال شرقی چهارراه کالج برگزار می‌شود. همچنین پیش‌فروش این کتاب از یکم شهریور ۱۳۹۷ در پاتوق کتاب تهران با تخفیف ویژه ۲۰ درصد آغاز شده است که این تخفیف شامل روز رونمایی از کتاب نیز خواهد شد. مخاطبان می‌توانند این کتاب را از وب‌سایت ketabroom.ir و ketabkhon.ir پیش‌خرید کنند.

عکس

صدرعاملی در نشست چهل شاهد:

خوشحالم که آمدن امام(ره) را ثبت کردم

نشست تخصصی «چهل شاهد» با موضوع بررسی ۴۰ سال عکس انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس و با حضور رسول صدرعاملی، قاسم محمدی از عکاسان پیشکسوت انقلاب اسلامی و ساسان مویدی و علی فریدونی از عکاسان پیشکسوت دفاع‌مقدس در موزه انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس برگزار شد.

به گزارش «وطن امروز»، رسول صدرعاملی به عنوان تنها عکاس ایرانی حاضر در نوفل‌لوشاتو در دوران حضور امام خمینی(ره) در این نشست گفت: در فرانسه جامعه‌شناسی می‌خواندم که سردبیر اطلاعات تماس گرفت و گفت به نوفل‌لوشاتو بروم و من پای ثابت دهکده نوفل لوشاتو شدم. آن روزها احساس مسؤولیت زیادی داشتم؛ از ۸ صبح تا موقعی که نور بود، عکاسی می‌کردم بعد به مسافران می‌دادم تا عکس‌ها را به روزنامه اطلاعات برسانند. تقریباً آنچه در رسانه‌های ایران از نوفل‌لوشاتو منتشر شد حاصل کار من است. روزی ۱۰۰ حلقه عکس می‌گرفتم و ۵۰ حلقه آن را انتخاب می‌کردم و بقیه را به عکاسان خارجی به قیمت ۱۰ فرانک می‌فروختم و با آن دوباره نگاتیو می‌خریدم. گزارش «امام آمد» روزنامه اطلاعات و عکس درون هواپیما هم کار من بود و خوشحالم جزئی از این اتفاق بزرگ تاریخ ایران بودم. صدرعاملی با اشاره به نیاز امروز جامعه به عکاسی اجتماعی گفت: حال امروزمان خوب نیست و عکاسی اجتماعی می‌تواند به بیان نقاط ضعف و قوت جامعه بپردازد. عکاسی اجتماعی نیاز به پانوشت ندارد و خودش گویاست. عکاسی هیچگاه قدر دانسته نمی‌شد و همیشه شوق و علاقه بود که عکاسان را در این راه نگه می‌داشت. صدرعاملی هدفمند بودن، داشتن شوق، صداقت و شرافت را از مهم‌ترین ویژگی‌های عکاسی اجتماعی دوران انقلاب دانست و بیان کرد: هدفمند بود عکاسی آن روز در ناخودآگاه و خودآگاه عکاسان بود و امروز عکاس باید با بهره‌گیری از هدفمندی خودآگاه خود در یک واقعه اجتماعی نظاره‌گر نبوده و جریان‌سازی کند. عکاسان آن روز با عشق و علاقه و صداقت شروع کردند.